

### « همبستگی و وحدت » راز تکامل هستی و رسیدن بمقام انسانیت

دیشب زمانی در نظر سنجی ، زمزمه ای پر سوز ولی استوار وبا ممانت محمد ولی آریا ، راد مرد ودانشمند کشور را از نظر میگذراندم ، در اخیر به جمله ای ذیل جناب آریا صاحب به جواب هموطن ما مصطفی آریامل برخوردار نمودم که نوشته بود: «...اما دیگر سیر پرشتاب کنونی ناگواری های ملی ، ما را در پیمودن راه های گوناگون در پیشگاه تاریخ برائت نمی دهد و هر قدر داروی همبستگی و وحدت و همسوئی با طبع ما ناسازگار و در دهان ما تلخ است ، باید آنرا بلعید ، برای آنکه ملت از پا افتاده و بیمار افغانستان به طبییان یکدل و یک زبان و یک مداوا نیازمند است...» .

واین من را وادشت تا آن سه کلمه ای انسانی وپر عظمت یعنی « همبستگی ، وحدت و همسوئی » را در ابعاد مختلف اش مورد توجه قرار داده و این بعدها را از نقطه نظر نیو رو- پسیکو- سوسیو بیولوژی (عصبی - عقلی روحی - اجتماعی حیاتی)، سوسیو بیولوژی (اجتماعی حیاتی) و سیاسی به تحلیل بگیرم .

از دیدگاه عقلی - عصبی - اجتماعی حیاتی، کلمات فوق باموجودیت جامعه ای انسانی یعنی «ما» نه «من» گره خورده ومفهوم آنها فقط در این پیوند، هستی اجتماعی در یافت میکنند وخلاف تصورات « تنازع برای بقا » ، «نسل برتر» ، «ادامه ای حیات قوی تر» های چارلز داروین (یکی از بحث های مهم که در این سلسله نوشته هایم آنرا به تحلیل خواهم گرفت ) ، که روی جنگ بعنوان موتور تکامل بشریت تأکید مینمود ودارونیسیت های اجتماعی ، هنوز روی تئوریهای فوق پافشاری مینمایند . همکاری ، همسوئی و وحدت در جوامع انسانی در واحد کل اش خلاف نظرات گمراه کننده ای فوق داروین ، موتور اصلی تکامل بشریت از پله های پائین تکامل بسوی مقام عالی انسانی اش بوده وحیات انسانها فقط در بند این روابطه میتواند ضمانت شود.

« من » انتزاعی بدون « ما » اجتماعی نه تنها تخریبگر وناسالم است ، بلکه میتواند افراد با این طرز تفکر همیشه مورد سوء استفاده نیروی های قدرتمند ارتجاعی واستعماری قرار گرفته وبه خائنین برگشت ناپذیر تبدیل شوند . اندیو ویده لزم ، ایدیو لوژی ناسالم خود اندیشی است که پایگاه فکری و عملی اش روی منافع خودی وگروهی در تمام ساحات استوار بوده وحاضر است هستی وخوشبختی اجتماعی اکثریت را قربانی منافع اقلیت مفت خور وستمگر نمایند . در کشور ما متأسفانه این نوع افراد کم نیستند که به اشکال مختلف در مغشوش ساختن ذهنیت های مردم واهل قلم تلاش شباروزی مینمایند تا مبادا در بازار خرید وفروش غلامان حلقه بگوش عصر سلطه وتابعیت ، مورد توجه صاحبان سیم وزر خارجی وداخلی قرار گرفته وبا استخدام در یکی از وزارت خانه ها... خدمات شاه شجاعی ، نوکری ...و غیره انجام دهند . از آنجائیکه این قلم بدستان ماهر که اکثراً دوران از خدمات را در دولت های گذشته ویا فعلی سپری نموده اند ، معمولاً با دفاع از آن دورانهای پر نعمت نوکری، به مرتجعین داخلی و استعما گران خارجی سرود های طولانی وگوش خراش کننده سر میدهند واز هیچ نوع دیده درائی در مغشوش ساختن افکار دریغ نمی نمایند . بر ماست تا صف خود را با این ملنگان در لباس پلنگ مشخص ساخته ، از تأثیرات ناگوار این سفسطه بازان وفروشنده گان به نرخ روز ، حد ممکن جلو گیری بعمل آید.

ولی «من» که در «ما» حیات و خوشبختی خود را که **ذاتی** ساختار های عقلی - عصبی و اجتماعی حیاتی انسانهاست ، جستجو کرده ، میکند و خواهد کرد ، نتنها مسؤلیت سنگین خود شناسی را در تمام ابعاد عقلی - عصبی - اجتماعی حیاتی خودش دارد بلکه با پذیرش و درک عمیق و سالم از قوانین عام و حاکم در تمام پدیده های محیط انسانی ، انسانی، مکرو کوسموس و مایکروکوسموس ، چون **اختلاف ، اتحاد ، ارتباط ، انتظام و اعتدال** از یکجانب و قانوندیهای روابط اورگانیسم ، کار لای **دینامیک ، ساختار لای سیستماتیک و دیدگاه لای کوانتیک** (در فرصت های لازم هر یک را تحلیل خواهیم کرد) در یک واحد کل از جانب دیگر ، مکلف است آنها را در زندگی خود و جامعه در عمل پیاده نموده و از این طریق خود و بشریت را در راه رهایی از نابودی ده بار، کره ای خاکی ما توسط بمب های اتمی کمک نماید . برای انجام این کار مقدس و انسانی در ساختار های دماغی ، عصبی و عقلی ما سیستم خاصی بنام **سیستم موتیویشن** جا بجا شده که وظیفه اش بصورت دوامدار ایجاد همکاری ، همبستگی و وحدت و ده ها عمل سالم دیگر با محیط و دیگران میباشد، که سه هارمون (نیورو ترانسسمیترس) یعنی **دوپامین ، اوکسیتوسین و اندورفین** تحت تأثیر زیگنال های از شعور آگاه و یا ماتحت شعور که توسط **لایپو تلموس** یکی از مراکز عمده دماغ انسان اخذ ، و ترتیب و تنظیم میگردند ، افراز گردیده و این سه نیورو ترانسسمیتر، انتقال دستورات را از یک جا به جای دیگر بصورت دوامدار و بدون تاخیر، به عهده دارند. و این میکانیزم **ذاتی** است که ادامه ای حیات انسان را در روی زمین در قبال صد ها سیستم دیگر تا امروز ممکن ساخته است.

اما ، تند خوئی ، پرخاش ، گفتگو ، پیشانی ترشی ، نقد و ده ها برآمد از این ردیف، فقط بعنوان یک **عکس العمل** ۹۰ ثانیه ای در ساختار های ذاتی دماغی انسانها صرف بخاطر حفظ صلح و صفا و نشان دادن سرحد به جانب مقابل دیزاین شده و موجودیت دارد نه به عنوان **سیستم** دوامدار و مغلق مثل سیستم موتیویشن . ولی اگر خصلت ها و یا عکس العمل های فوق در جریان یک پروسه ای ناسالم زنده گی انسان ها در محیط زیست اش، به نیروی عادت تبدیل شوند ، خطر ناک ، وحشتناک و کشنده میتواند باشد . بنا ایجاد محیط زیست سالم در تمام ابعادش برای انسانها بخصوص اطفال یکی از مسائل عمده ای برنامه ریزی های یک سیستم دموکرات، در هر کشوری باید باشد .

روی این ملحوظ بر تمام افغانها است تا در این مقطع حساس تاریخ جهان و بخصوص کشور ما ، حلقه ای اساسی کار (سیاسی ، علمی ، فرهنگی و ملی...) خود را روی وحدت سرتاسری تمام ملت در ساحات فوق متمرکز ساخته و آنرا در صدر وظائف روز مره ای خود قرار داده و با پشتیبانی و کار مشترک با هموطنان صادق، راستکار ، محقق و واقعیت بین در هر جائیکه هستند دور هم جمع شوند، بقدر توان خود عمل نمایند و با پیوند دادن این جمع شدن ها، نیروی بالقوه را به بالفعل تبدیل نموده ، **راه روشنگری ، تغییر ، تکامل ، اتحاد و بلاخره عبور** از سیستم را همانند امریکای لاتین، در ، عمل پیاده کنند . منتظر هیچ کس نباشید فقط این خود شما هستید که با یکجا شدن های تان ، همچون قطرات آب بلاخره دریا های بزرگی برای آبیاری زمینهای خشک و باغ های میوه تان میسازید و بر خرابه های کشور خود افغانستان آزاد، آباد و مستقل را بنیان گذاری میکنید .الترننتیفی دیگری وجود ندارد اگر باشد فقط میتواند در جریان این پروسه فوق جستجو شود.

برای اثبات اینکه با ابراز کلمه ای «من» خودبین و انتزاعی بدون «ما» اجتماعی ، وجود شما ضعیف و با «ما» همکار و همسوی، قوی میگردد ، آنرا توسط «تست کینیزیو لوگی» که خود میتوانید آنرا آموخته و امتحان کنید برایتان در مقالات بعدی توضیح خواهم کرد .

ادامه دارد...

